

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت و کیم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



- تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹
- جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمدمهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۳/۳/۰۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید»... / حنّانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسرّی»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری»

اکبر حیدریان*

چکیده

دانشنامه حکیم میسری کهن‌ترین مجموعه طیبی به شعر فارسی است که برات زنجانی در سال ۱۳۶۶ ش آن را بر اساس تک‌نسخه کتابخانه ملی پاریس ویرایش و در انتشارات دانشگاه تهران به طبع رساند؛ این تصحیح تا کنون چندین بار تجدید چاپ شده است. بر کنار از فواید کتاب، متأسفانه اشکالات عدیده‌ای به آن راه یافته است. مقاله حاضر کوشیده است متن چاپ‌شده را با نسخه مورد استفاده مصحح به دقت مقابله کند و بخشی از ایرادهای اساسی این تصحیح، اعم از ضبط‌های نادرست، بدخوانی‌های نسخه، اغلاط مطبعی، و دخل و تصرف‌های مصحح (رعایت نشدن اصل امانت‌داری) را نشان دهد. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که به سبب اشکالات متعددی که به متن مصحح دانشنامه راه یافته تصحیح مجدد آن ضروری است.

کلیدواژه‌ها: حکیم میسری، دانشنامه، برات زنجانی، نقد، تصحیح

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۳

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد / akbar.hei93@gmail.com

۱. مقدمه

بیان مسئله

فعالیت بنیادین تصحیح متون موجب فراهم شدن متون منقّحی می‌شود که زمینه اصلی فعالیت‌های دیگر محققان، منتقدان، لغویان، سبک‌شناسان و امثالهم می‌گردد. تصحیح متون کاری ظریف و دقیق است که هدف آن ارائه روایتی اصیل از متنی خاص است. بنابراین، برای دستیابی به این هدف نخست باید متن دقیق خوانده شود و ابهامات دستوری و نگارشی آن به حداقل برسد و فهم متن با توضیحات لغوی و تذکر نکات دستوری و رفع اشکالات محتوایی تسهیل شود (نک. سمیعی، ۱۳۸۶، ۱۹۲-۱۹۳). بر همین اساس نیز مرحوم برات زنجانی دانشنامه حکیم میسری را - که قدیمی‌ترین مجموعه شعر فارسی در طب است - طبق تک‌نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره R-7799-310 تصحیح کرده است. از آنجایی که این تصحیح بر اساس تک‌نسخه صورت گرفته و نیز آنکه میکروفیلم ناخوانایی که در اختیار مصحح بوده، گاهی تصحیحات قیاسی و استحسانی در آن به کار گرفته شده است (نک. حکیم میسری، ۱۳۹۵: بیست). نگارنده جستار حاضر، پس از خواندن دقیق متن و مقابله آن با نسخه اساس مصحح، دریافت که در کار مصحح اشکالاتی وجود دارد. با طبقه‌بندی این اشکالات و اصلاح آن‌ها امیدوار است که در آینده ویرایشی منقّح‌تر از این اثر به دست ادب‌دوستان برسد.

پیشینه پژوهش

پس از توصیف بلوشه از نسخه دانشنامه حکیم میسری موجود در کتابخانه ملی پاریس^۱، افرادی به تحقیق درباره این متن پرداختند. ژیلبر لازار در مقاله‌ای با عنوان «دو رساله پزشکی از سده چهارم هجری به زبان فارسی» این اثر را معرفی کرده است (لازار، ۱۳۸۷). او در این مقاله به بررسی سال سرایش اثر، حامی‌ای که کتاب به او پیشکش شده، ساختار و فصول کتاب می‌پردازد. همچنین لازار در کتاب اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای

1. *Catalogue des manuscrits persona*, t. II, p. 82 no. 818.

فارسی‌زبان، برخی ابیات دانشنامه حکیم میسری را انتخاب کرد و به چاپ رساند (همو، ۱۳۶۱). غلامحسین یوسفی (۱۳۴۳) نیز در مقاله‌ای در مجله راهنمای کتاب، برخی از اختصاصات کتاب مزبور را بیان کرد.

جلال متینی (۱۳۵۱) در مقاله‌ای با عنوان «درباره دانشنامه میسری» علاوه بر ذکر اختصاصات زبانی و برشمردن لغات و ترکیبات دانشنامه، درباره شباهت در اصالت و قدمت نسخه و متن دانشنامه بحث مشبعی کرده است.

نذیر احمد نیز در مقاله‌ای با عنوان «درباره ممدوح میسری حکیم» به معرفی مهدی‌الیه دانشنامه می‌پردازد. اسماعیل آذر و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به روان‌شناسی چهره در دانشنامه حکیم میسری»، ویژگی‌های روانی و رفتاری مطرح شده در دانشنامه را بیان کرده‌اند. صادقی محسن‌آباد و اکبر حیدریان (۱۴۰۱) هم در مقاله‌ای با عنوان «تصحیح چند خطا و لغزش در دانشنامه حکیم میسری» ۱۴ بیت از ابیات تأمل برانگیز دانشنامه را تصحیح کرده‌اند.

بر پایه آنچه بیان شد، تنها مقاله‌ای که هم‌سو با تحقیق حاضر است، مقاله «تصحیح چند خطا و لغزش در دانشنامه حکیم میسری» است که البته نگارنده سعی کرده از تکرار مطالب آن پرهیز، و مواردی را اینجا عرضه کند که در آن مقاله مورد توجه قرار نگرفته است.

درباره چاپ و تصحیح کتاب

دانشنامه حکیم میسری به تصحیح دکتر برات زنجانی در سال ۱۳۶۶ ش برای اولین بار در ۴۸۲ صفحه از سوی انتشارات دانشگاه تهران با همکاری دانشگاه مکی‌گیل چاپ شد. در بخش پیشگفتار، مصحح از ویژگی‌های گوناگون متن دانشنامه، مؤلف و هدف از نوشتن دانشنامه سخن گفته است. ۲۶۶ صفحه را متن اصلی این تصحیح در بر می‌گیرد و در نمایه پایانی آن نیز ادویه، اغذیه و اشربه، بیماری‌ها، لغات و ترکیبات و اعلام فهرست شده است.

برات زنجانی در این تصحیح از تنها نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره R-7799-310

استفاده کرده است. وی در خصوص این نسخه می‌نویسد:

بخش عمده کتاب خواناست و قسمتی از آن که به احتمال قوی به وسیله کسی دیگر نوشته

شده است با زحمت خواننده می‌شود و دارای اشتباه و غلط است. [...] چون نسخه منحصر به فرد بود به روش قیاسی تصحیح شد؛ صورت اصلی تغییر و تبدیلی که در بازخوانی و دستنویسی کلمات اتفاق افتاده، جای‌جای، در حاشیه صفحات داده شده است (حکیم میسری، ۱۳۹۵: بیست).

۲. بحث و بررسی

با وجود مزیت‌های تصحیح یادشده، نگارنده این یادداشت در حین خواندن و بررسی آن، به کاستی‌ها و ایراداتی برخورد که رفع آن‌ها می‌تواند ارزش کار مصحح را برجسته‌تر نماید. نکاتی که در ادامه می‌آید شامل ضبط‌های نادرست، بدخوانی‌ها، اغلاط مطبعی و غیره است.

ضبط‌های نادرست

۱. وسک [و] مشک^۱ گرمست و عصب را نکو باشد و باد سرد و تب را (حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۳۴)

عبارت مشخص شده در بیت بالا، در نسخه اصل به صورت «سک مشک» آمده که صحیح همین است. از آنجاکه برای مصحح ترکیب «سک مشک» غریب بوده با افزودن «و» ضبط بیت را آشناتر جلوه داده است. «سک» لغتی است تازی به معنی «جوشانده‌ای مخلوط از مازو و شیر خرم که گاهی بدان مشک نیز می‌افزودند. در این صورت آن را سک‌المسک می‌گفتند و آن خاصیت قبض داشت و در تداوی به همین منظور به کار می‌رفت» (نک. فرهنگ معین، ذیل «سک»). نویسنده کتاب الابنیه عن حقایق الادویه ذیل «رامک» می‌نویسد: «رامک عطریست که از مازو گیرند. وی سرد و خشک است قابض، معده گرم را قوی کند [...] و چون مشک با وی پیامیزند آنگه وی را سک مشک خوانند و او گرم و خشک بود و هم آن کند که رامک لیکن معده و جگر را قوت بیش کند» (هروی، ۱۳۶۴: ۱۶۸). جمالی یزدی در فرخ‌نامه (۱۳۸۶: ۲۲۷) ذیل «سک مشک» آورده است: «قی باز دارد و عصب را نیکو کند».

۱. تأکید و برجسته‌سازی عبارات در متن ابیات از نگارنده است.

۲. وگرنه پلپل و بور آر با هم کنی بر کاسه آن کاسه شود کم

(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۱۸۸)

۳. کسی را کو بچشم اندر بماند ز زخمی گر کسی بر وی براند

یکی گاهه بسان نقطه خون نه بزدايد و نه باشد بافزون...

(همان: ۶۹)

مصحح در ذیل توضیحات ابیات شماره ۳ در پاورقی شماره ۴ آورده است: «یکی گاهه: جایی» (حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۶۹). نگارنده منظور مصحح را درنیافت. «کاسه» و «گاهه» هر دو تصحیف کلمه «کاهه» است. از دیگر اشارات حکیم میسری، برمی آید که «کاهه» نوعی لگه بوده که بر اعضا عارض می شده است. میسری ذیل «علاج ناخن» در ابیاتی آورده است:

...وگر چون زرد برگ گل بناخن پدید آید که من گویم چنان کن

که تخم بنسق و سرکه بسایی و زو مـر ناخنانست را نمایی

نکو گردد ازین داروت ناخن و نیکوتر برآید ناخن از بُن

وگرنه زفت تر بر ناخن اندای به زفت تر ز ناخن، گاهه بزداي

(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۲۰۱-۲۰۲)

بر اساس این قرائن معلوم می شود که منظور از کاهه، «زردی ناخن» است.

۴. سلنجه نیم رطل و مازه یکسان نیبد عقص باید نیز چندان

(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۱۰۷)

«سلنجه» در بیت مزبور فاقد معناست و تصحیف «سلیخه» است. از آنجایی که مصحح در نمایه‌های کتاب (فهرست ادویه و اغذیه و اشربه) واژه «سلنجه» و «سلیخه» را جداگانه نمایه کرده، واضح است که در ضبط مختار او، هیچ غلط مطبعی صورت نگرفته است.

بر اساس تعریف فرهنگ‌ها و قوامیس، سلیخه «پوست درختی است دوایی و بهترین آن سرخرنگ و سطر باشد مانند دارچینی درهم پیچیده بود، گرم و خشک است در سوم» (نک. دهخدا: ذیل «سلیخه»). کمال‌الدین شیرازی نیز آورده است: «سلیخه سوداء: پوست

درخت هندی است و آن درخت را سلیخه گویند از این جهت پوستش را سلخ السلیخه نیز خوانند. و انواع بود». در میان متون طبی نیز از «سلیخه» یاد شده است. ابن سینا در قانون فی الطب (۲۰۰۵: ۷۶/۳) ذیل «فصل فی قروح الثدی والأکال فیه» آورده است: «یؤخذ النبذ العفص وزن عشرين رطلاً، ویجعل فیه من سماق الدباغین رطل، و من العفص غیر النضیج نصف رطل، و من السلیخه نصف رطل، و من جوز السرو رطل، ینقع ذلك فی الشراب، ویترک عشرين يوماً، ثم یطبخ ویساق بخشب من السرو حتی یذهب النصف، ثم یمرس بقوة ویصفی ویعاد علی النار حتی یثخن، ولتکن النار لینه جداً، و یحفظ فی زجاجة. وهذا جید لجميع القروح التي تعرض فی الأعضاء الرخوة، کالفم واللسان، و غیر ذلك، ویمنع من الأکال ویصلحه». جرجانی نیز در ذخیره خوارزمشاهی (۱۳۵۰: ۵۱۱/۶) ذیل «اندر علاج ریش های پلید که گوشت پستان بخورد» آورده است: «بگیرند شراب انگوری گلوگیر ده من و سماق پوست گران نیم من و مازو سبز ده استار و سلیخه ده استار و گوز سرو نیم من، همه را اندر شراب تر کنند و بیست روز بنهند [...] و نگاه دارند به وقت حاجت بر ریش هایی که بر اندام های نازک و نرم برآید آن طلی کنند» (نیز نک. جرجانی، ۱۳۸۵: ۵۱۱).

اشارات حکیم میسری نیز تأیید می کند که «سلیخه» ضبط اصح است. میسری در دانشنامه هشت بار واژه «سلیخه» را به کار برده است، حال آنکه واژه «سلنجه» تنها در همین موضع مورد بررسی به کار رفته است. برای نمونه بنگرید به ابیات زیر:

کسی خواهد که گند بول ناید و گند از باد وز غایط کم نماید
سلیخه بایدهش خوردن گرا بهل دگر سنبل خورد گرنه قرنفل
(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۲۰۰)

سلیخه سنگ بگدازد همه زود و زو بسیار کس را نیز به بود
(همان: ۱۴۰)

۵. ز دهن سوسن و پپل و بطرون سپندان خوش آر و از فریبون
(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۱۴۷)

«بطرون» در بیت بالا، تصحیف «نطرون» است. شایان یادآوری است که مصحح در

فهرست پایانی کتاب «بطرون» و «نطرون» را جدای از هم نمایه کرده است؛ این ثابت می‌کند که در ضبط مختار مصحح، غلط مطبعی صورت نگرفته است.

«نطرون»، «بورق»، «بوره» ماده‌ای است که «در زمین شوره‌زار متولد می‌گردد از آب و نمک، و انواع می‌باشد: معدنی و مصنوع. و بهترین آن معنی است که از معدن آن آورده باشند و این اصناف و الوان می‌باشد» «عقیلی خراسانی، ۱۳۷۱: ۲۵۱؛ نیز نک. جوهری نیشابوری، ۱۳۸۳: ۲۷۵-۲۷۶؛ زاوش، ۱۳۵۵: ۲۲۷/۲-۲۳۴). کتاب پزشکی نامه در این باره چنین می‌گوید: «بوره در بیشتر لاک‌های آسیا و چین و تبت و هندوستان موجود است و آب این دریاچه‌ها را تبخیر و بوره را استخراج می‌کنند و نیز مصنوعاً آن را حاصل می‌نمایند از دو جزء اسید بوریک و دوازده جزء کربنات دوسو متبلور که آن‌ها را در آب جوش حل کرده محلول آن را تغلیظ می‌نمایند» (ناظم‌الاطبا، ۱۳۸۳: ۱۴۹). باری در بیت حکیم میسری نیز همین «نطرون» مد نظر است.

حکیم میسری بیت مورد بحث را ذیل «علاج باه» آورده است. در منابع طبیبی، یکی از راه‌های علاج ضعف قوه باه، مالیدن «نطرون» بر قضیب است. ابن‌بیطار (۱۴۱۲: ۱۱۱۷۳) در الجامع لمفردات الادویة ذیل «بورق» آورده است: «الرازی فی الحاوی: یسخن منه درهمان بثلاث دراهم دهن زنبق و یدلک به الذکر و یلطح به المذاکیر فإنه أقوى ما یهیج به الإنعاط». همو در ادامه آورده است: «ینعم سحقه و یدیفه بعسل و یطلی به القضیب و الشرح و العانة فإنه ینعظ إنعاطاً مضجراً» (همانجا). در قراباذیان اعظم آمده است: «ایضاً سداب خشک نطرون مساوی کوفته بیخته به آب سداب تر برشند و بر قضیب مالیده جماع کنند هرگز آستن نشود و اگر حمل بود بیفتد» (ناظم جهان، ۱۳۸۳: ۱۱۴). مؤلف عجائب الطب النباتی ذیل «بورق مصری» (نطرون) آورده است: «یخلط مع العسل، و تدهین به الاعضاء التناسلیة، فیقوی علی الزواج» (منصور، ۲۰۰۲: ۱۵۶).

۶. طعامش مغز مرغ و آب کشکاب دگر، گوسوی آب نار بشتاب (حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۲۱۲)

در بیت بالا، «مغز مرغ» فاقد معنای مناسب، و یقیناً تصحیف عبارت «مغز قرع» است.

حکیم میسری ذیل «علاج زخم وافتیدن» به دنبال ابیاتی چند، می گوید :

...گر او را عقل از جایش بگردد ورم در مغز او می کار بنسدد
 علاجش آنکه از قیفال بسیار برون آرد بسی خون او دگر بار
 پس آنکه برگ آس تر و گلنار ابا او گرد کرده پوست از نار
 بآب و سرکه در آتش بجوشان ازو مرهم کن بر سرش پوشان
 وگر از سک و عود خام یابی نبید کهنه یابی رو نتابی
 طبیعت نرم دارش بآب آلو به سگستان ابا خرماي هندو
 طعامش مغز مرغ و آب کشکاب دگر، گو سوی آب نار بشتاب...

(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۱۲)

در این ابیات، حکیم میسری از بیماری می گوید که گرفتار صداع است و او اغذیه و ادویه و شربه نافع این بیماری را نام می برد. با بررسی متون طبی، آشکار می شود که یکی از ادویه های نافع صداع، «لب القرع» (مغز قرع) است.^۱ ابن بیطار در الجامع المفردات الأدویة والأغذیة آورده است: «دهن القرع: بارد رطب ینفع من حرارة الدماغ ویسه إذا استعط به لأصحاب السرسام والمالیخولیا إذا استنشق أو صب علی رؤوسهم مع یسیر خل خمر، ینفع من کل حرارة تعرض فی البدن» (۱۴۱۲: ۱۰۹/۲). ابن سینا نیز در القانون فی الطب ذیل انواع مختلف صداع، یکی از ادویه های نافع را «دهن لب القرع» می داند: «فی علاج الصداع الیابس: أما الیابس الذی یكون مع مادة صفراویة أو دمویة، فقد مضی الکلام فیہ، وإنما بقی الکلام فی الصداع الیابس بلا مادة، فأول علاجه تدبیر العلیل بالأغذیة المرطبة الجیدة الکیموس، وخصوصاً الكثیرة الغذاء مثل محّ البيض، ومثلاً مرق الفراریج السمینة والقباج والطیاهیج والأحساء الدسمة بالأدهان الرطبة، ثم یمال من جهة الحار والبارد إلى ما

۱. حکیم میسری در جای های دیگر دانشنامه نیز اصطلاحات طبی را ترجمه کرده است؛ مثلاً در بیت زیر:

طالا باید ز مغز نان و خایه و سرکه کش ترشی بُؤذ مایه

(حکیم میسری، ۱۳۹۵: ۱۰۶)

در بیت بالا، «مغز نان» ترجمه «لباب الخبز» است.

هو أوفق. ومما ینتفع به استعمال السعوط المرطبة بالأدهان المحمودة، کدهن اللوز، و دهن القرع، و غیر ذلك» (۲۰۰۵: ۲۲۹/۲؛ نک. همان: ۲۴۰/۱، ۲۴۱/۲).

بدخوانی‌های نسخه

در خواندن و بازنوشتن ابیات دانشنامه خط‌هایی به کار مصحح راه یافته است. نگارنده متن چاپ‌شده را با نسخه مورد استفاده مصحح مقابله کرد و نشان داد که مصحح در خوانش دقیق جاهایی از دانشنامه مرتکب مسامحه‌هایی شده است. مصراع‌هایی که وزن نادرست یا زبان آشفته یا احیاناً اشتباهات دیگری دارند، و مصحح توضیحی درباره آن‌ها نداده است، در جدول شماره (۱) نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱. بدخوانی‌های نسخه

ص چاپی	تصویر نسخه	ضبط نسخه	مصراع مورد نظر
۱۰		یکدیگر	.../بقدرت، استخوان بر یکدیگر سخت
۱۵		وگر کس را	تتی کو را مجسه گرم باشد/...
۴۱		کزین	گرین شش چیز کس عبرت نگیرد/...
۴۵		گذشتست	و هر کس کز چهل آن سو گذشت/...
۵۵		وَر	.../ابگو کشکاب خور در آب کیغو
۵۶		برآمیز	.../و جنابیستر با او بر میز
۶۱		بسیار	رمص بسار باشد آب بسیار/...
۶۹		چشمش	.../بدهن ورد کشمش را طلا جوی
۷۳		گیرد	.../بده تا درد زو گردد کناره
۷۴		وَ	.../ز ختمی نیک لخنه درخور آید
۷۸		مر	وگر دردی رسد بر چشم وی را/...
۸۹		روز	.../ازین هر روزی زی دندان نموده
۹۲		آنکه... آرد و مر با	پس آنکه زنجبیل آرد مر با/...
۹۲		دهن	ازو دایم حیی گو در دهان آرد/...
۹۲		درد و ریش	کسی کو را دهن پر ریش و درد است/...
۹۸		قرع	و تخم مرغ و بادام مقشر/...

جدول شماره ۱. بدخوانی های نسخه

ص چاپی	تصویر نسخه	ضبط نسخه	مصراع مورد نظر
۱۰۶	وگر نه گرز آب نار شیرین...	گو	وگر نه گرز آب نار شیرین...
۱۱۲	پس آنگه علك جوی و نیز گلنار...	جلنار	پس آنگه علك جوی و نیز گلنار...
۱۱۵	دگر از زعفران آری روا دار...	ار	دگر از زعفران آری روا دار...
۱۲۱	ازین هر داروی یک جز آید...	جزو باید	ازین هر داروی یک جز آید...
۱۲۳	.../بخصاصش کش همه گرمی مزاجست	به خاصه	.../بخصاصش کش همه گرمی مزاجست
۱۲۴	ز هر یک یک درم و نیک بردار...	نیم	ز هر یک یک درم و نیک بردار...
۱۲۸	.../او روزی دو سه ز آنجا دست بردار	وا دار	.../او روزی دو سه ز آنجا دست بردار
۱۳۱	و گرش از مقلیانا با سفرجل...	دگرش	و گرش از مقلیانا با سفرجل...
۱۳۲	حب مویز و حب الّاس و غرنوب...	خرنوب	حب مویز و حب الّاس و غرنوب...
۱۳۵	.../او جزوی علك رومی کم بشاید	نشاید	.../او جزوی علك رومی کم بشاید
۱۴۹	.../ادر معده ز هم بیرون گشاید	مقعد	.../ادر معده ز هم بیرون گشاید
۱۵۷	اگر این درد رخمش سخت گردد...	وگر	اگر این درد رخمش سخت گردد...
۱۶۸	ز تخم کرسب و میپخته فرمای...	میپخته	ز تخم کرسب و میپخته فرمای...
۱۷۱	به سرکه زان بر درش طلا کن...	دردش	به سرکه زان بر درش طلا کن...
۱۸۲	جراحت گر به نزدیک پی آید...	آمد	جراحت گر به نزدیک پی آید...
۱۸۷	وگر دریابدش ناگاه منکر...	بنگر	وگر دریابدش ناگاه منکر...
۱۸۷	ز شب و عنزروت و پوست توز...	گوز	ز شب و عنزروت و پوست توز...
۱۸۸	.../امر آن را گو خوانیقش نشانست	کو = که او	.../امر آن را گو خوانیقش نشانست
۱۹۱	.../کنند از خون مرده پاک خورده	زرو آن=زالو آن	.../کنند از خون مرده پاک خورده
۱۹۴	.../انصیحت زاونه سود و زیان را	را و نه	.../انصیحت زاونه سود و زیان را
۲۰۲	.../موفق تو، دگر باید بریدن	موافق تر	.../موفق تو، دگر باید بریدن
۲۰۴	.../او تشنه گشه را تشنی ببندد	گشته	.../او تشنه گشه را تشنی ببندد
۲۰۹	کسی کو خویشتن با بسته دارد...	بایسته	کسی کو خویشتن با بسته دارد...
۲۱۰	.../بکوز انجیر خوردن احتما کن	بگوز	.../بکوز انجیر خوردن احتما کن
۲۱۰	کسی کش پای بشکافد بسرما...	ز سرما	کسی کش پای بشکافد بسرما...
۲۵۵	.../و پشتش درد گیرد سخت نه نرم	گردد	.../و پشتش درد گیرد سخت نه نرم
۲۵۵	و خون بردارد او بسیار بسیار...	پردازد	و خون بردارد او بسیار بسیار...

جدول شماره ۱. بدخوانی‌های نسخه

ص چاپی	تصویر نسخه	ضبط نسخه	مصراع مورد نظر
۲۵۸		بیباید	... / گر از بینی <u>بیباید</u> قطره خون
۲۵۸		باشد	... / نشان مرگ <u>شد</u> بر دردمندان
۲۵۹		زو نزاید	که هر بارش همی <u>تب زوتر آید</u> ...
۲۶۱		درد	که باشد <u>مغز</u> او در مغز پنهان/...
۲۶۲		و آنک	<u>و بانگ آید</u> ابا او تاب بسیار/...
۲۶۳		تمیز	... / و شاهق باز جو این را به <u>تمییز</u>
۲۶۴		موش دؤم	و نبض <u>موش دم</u> و نبض عالی/...
۲۶۵		اَز	کسی کو شیر خورد <u>با</u> خایه سرد/...
۲۶۹		پینیر	دردش صد هزاران بر <u>پیامبر</u> ...
۲۶۹		آبر بوبکر	<u>ابوبکر</u> و عمر نیز عثمان/...

اغلاط مطبعی

خطاهایی در حروف چینی متن اشعار دانشنامه نیز رخ داده است که اگرچه اندک است، زینده چنین کتابی نیست و رفع آن‌ها کار سخت و وقت‌گیری نبوده است. در جدول شماره (۲) این اغلاط مطبعی با ذکر شماره صفحات مربوط به آن‌ها، نشان داده شده است.

جدول شماره ۲. اغلاط مطبعی

صفحه	درست‌نامه	نسخه چاپی / دانشنامه
۱۹	ناگهان	دلیل دردهای <u>ناگهانی</u> [عنوان بخش]
۲۵	پنج	چو بر <u>پنج</u> و چهل برسو گذشت او/...
۲۶	افتمون	... / اقا قایا و اسقیل و <u>افتمون</u>
۲۷	فودینه	... / فراسیون و <u>فردینه</u> و صابون
۳۰-۲۸	بزر	... / قصب، قنطوریون و <u>برز قنونا</u>
۳۸	غاتف	و گرمی <u>غاتف</u> را سده گشاید
۴۲	گر دو	یکی خوردن یکی <u>مقال گردو</u>
۶۴	آنکه	پس <u>آنکه</u> آنکسی کش چشم دردست/...
۶۷	ذرود	دگر روزش <u>زرود</u> زرد بنمای/...

جدول شماره ۲. اغلاط مطبعی

صفحه	درست‌نامه	نسخه چاپی/دانشنامه
۷۴	درد	بمال آن <u>درد</u> تا زو بر دمد خون/...
۹۳	ثقل	فی علل اللسان من ورم أو <u>ثقل</u> [عنوان بخش]
۹۶	گلنار	قشور نار و از سماق و <u>گلنار</u> /...
۱۰۳	برسام	... و درد وی بود بر <u>سام</u> کردار
۱۱۱	قرقه	و <u>ترقه</u> کندرو سنبل انیسون/...
۱۳۰	زراوند	<u>زراوند</u> دراز و برگ بیغن/...
۱۳۲	بزر	... و <u>برز</u> بقل افرا نیز برگیر
۱۵۴	بدانستن	<u>دانستن</u> آبستی زن [عنوان بخش]
۱۸۳	(عنزوت)	عنزوت: در نسخه اصل (عنزوت). [پاورقی ۱]
۱۹۱	چنگ	آویختن: <u>چنگ</u> زدن... [پاورقی ۴]
۱۹۵	سگالد	بگرماوه شدن چونین <u>سگاله</u> /...
۲۰۰	بول	ببردن بوی گنده [عنوان بخش]
۲۱۱	گرو	<u>گراو</u> را عقل از جایش بگردد/...
۲۱۴	عاقرحا	بباید نیز <u>عاقرها</u> همانا/...
۲۱۶	گزدم/کزدم	کسی بینی که <u>گردم</u> درگزیدست/...

دخل و تصرف‌های مصحح در متن

از معایب تصحیحات قیاسی متن دانشنامه یکی این است که خواننده متوجه نمی‌شود که مصحح تا چه اندازه به نسخه اساس پای‌بند بوده است؛ دیگر آنکه آیا در تغییر دادن برخی ضبظ‌ها چه قصدی داشته است. مصحح در بخش معرفی نسخه دانشنامه، آورده است:

... چون نسخه منحصر به فرد بود به روش قیاسی تصحیح شد؛ و صورت اصلی تغییر و تبدیلی که در بازخوانی و دستنویسی کلمات اتفاق افتاده جای‌جای در حاشیه صفحات داده شده است (حکیم میسری، ۱۳۹۵: بیست).

در ادامه، نمونه‌هایی از این نوع اعمال سلیقه‌ها ارائه شده است:

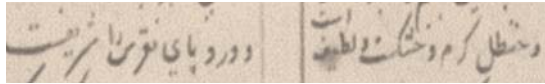
ص ۱۹، ذیل «صفت مزاج مردم»:

خردمنـدی نباشـد در درازان هنر کمتر بود نیز اندر [[پشان

با توجه به شیوه نوشتن کاتب، لزومی به اضافه کردن «الف» نبوده است.

ص ۳۱، ذیل «طبايع ادويه»:

و [حفظ] ل گرم و خشک و لطيف است و درد پای نقرس را شريف است



در نسخه اصل، واژه «حفظل» به صورت واضح و خوانا آمده، و نیازی به قلاب نبوده است.

ص ۳۳، ذیل «طبايع ادويه»:

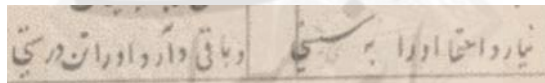
[م]ـ [مراره] گرم باشد چشم باریک همه روشن کند دیدار باریک



در نسخه اصل، واژه «مراره» به صورت واضح و خوانا دیده می شود و به علامت قلاب نیازی نبوده است.

ص ۴۰، ذیل «باب التّصیحت»:

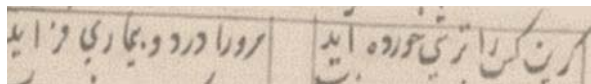
نیارد احتما او را به سستی باقی دارد او را تندرستی



مصحح در متن چاپی، «و» ابتدای مصراع دوم را از قلم انداخته است.

ص ۱۱۷، ذیل «صفت ضمادی از بهر درد معده»:

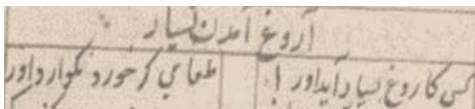
گرین کس [را] ز ترشی خورده آید مرو را درد و بیماری فراید



در این بیت، مصحح دو تصرّف نابجا کرده است: اول، قرار دادن «را» در داخل قلاب اشتباه واضح است زیرا در نسخه اصل، «را» کتابت شده است. دوم، اضافه کردن «ز» به متن بدون اینکه به این تصرّف اشاره‌ای شده باشد. شایان یادآوری است که اگر کلمه «ترشی» را به طور مشدد یعنی «تُرشی» بخوانیم، نیازی به افزودن «ز» به متن نخواهد بود.

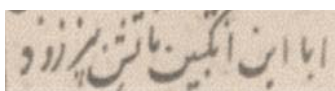
ص ۱۱۸، ذیل «آروغ آمدن بسیار»:

بیت اوّل این بخش، یعنی بیت زیر، از تصحیح ساقط شده است:



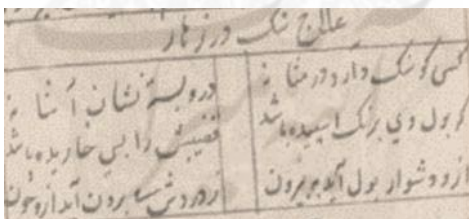
کسی کا روغ بسیاری آید اورا طعامی گر خورد نگوارد اورا
ص ۱۳۷، ذیل «صفت معجون سفرجل»:

ابا انگبین با آتش پیز زود چو دانی آن بجوشید و نکو شوڈ
ضبط مصراع اول به این شکل، اشکال وزنی دارد. ضبط درست که در نسخه هم دیده
می شود چنین است: «ابا این انگبین با آتش پیز زود».



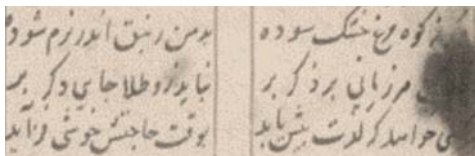
ص ۱۴۰، ذیل «علاج سنگ در زهار»:

بیت آخر این بخش، به شهادت متن نسخه، از تصحیح ساقط شده است:
از او دشوار بول آید به بیرون ز دردش می بیرون آید از خون



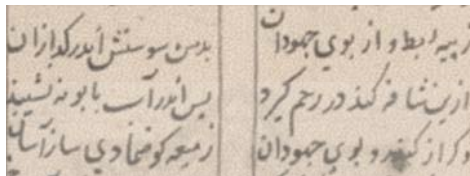
ص ۱۴۸، ذیل «علاج کردن ذکر خرد»:

[وگر]انه گووه مرغ خشک سوده بدهن زنبق اندر نرم سوده
[طلاکن] هر زمانی بر ذکر بر نباید زو طلا جایی دگر بر
[کس]ی خواهد که لذت بیش یابد بوقت حاجتش خوشی فزاید
مصصح عبارات آغازین هر سه بیت را داخل قلاب گذاشته است، حال آنکه هر سه عبارت
به طور کامل در متن وجود دارد.



ص ۱۵۷، ذیل «علاج زنی کش رجم آماه دارد»:

ز پیه بط و از بوی جهودان
در متن چاپی، مصراع دوم بیت مزبور، عیناً، در دو بیت بعد تکرار شده است:
دگر از کندر و بوی جهودان
با مراجعه به نسخه اصل می بینیم که مصراع ثانی بیت مورد نظر را به اشتباه نقل کرده است. شکل صحیح بیت چنین است:
ز پیه بط و از بوی جهودان
به ذهن سوسنش اندر گدازان



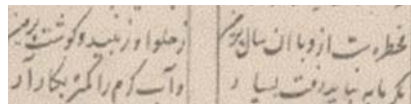
ص ۱۶۶، ذیل «حب المقل»:

ز تلخ گاو شافه بایسد او را
مصصح در پاورقی (شماره ۴) ذیل بیت می نویسد: «در نسخه اصل، جای مصراع دوم این بیت سفید مانده است»؛ پیداست که او متوجه اشتباه کاتب نشده است. توضیح آنکه، کاتب نسخه سهواً بیت شماره ۲۷۲۴ را مکرر کرده، ولی پس از نوشتن مصراع اول، به اشتباه خود پی برده و با نگاشتن علامت «ص» در پی یادآوری خطای خود به خواننده و تصحیح اشتباه خود بوده است.



ص ۱۷۶، ذیل «علاج وبا»:

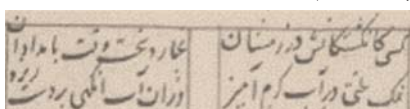
مخطره است از وبا آن سال پرهیز
ز حلو و ز نبید و گوشت پرهیز



«مخطره» در نسخه اصل نیز به همین صورت آمده است و نیازی به استفاده از قلاب نبوده است.

ص ۱۷۸، ذیل «علاج خارش انگشتان در زمستان بامدادان»:

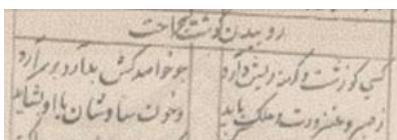
نمک لختی در آب گرم آمیز و زان آب آنگهی بردست او ریز



کلمه «او» در نسخه اساس نبوده است و مصحح به اقتضای وزن بیت، آن را به متن اضافه کرده است؛ بنابراین، کلمه اضافه شده باید در قلاب قرار می‌گرفت.

ص ۱۸۲، ذیل «رویدن گوشت جراحت»:

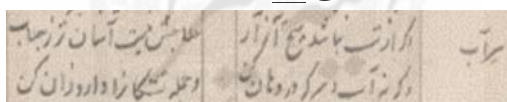
ز صبر و عنزروت و علك باید و خون ساوشان با او بشاید



این توضیح مصحح در پاورقی شماره ۳ «عنزروت: در نسخه اصل (عنزوت)» دقیق نیست، زیرا در آنجا کلمه به صورت «عنزورت» ثبت شده است.

ص ۲۰۵، ذیل «علاج تشنگی»:

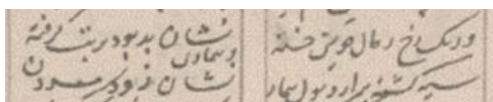
اگر از تب نباشد هیچ آزار علاجش نیست آسان تر ز جلاب



مصحح در پاورقی شماره ۱ آورده است: «در دو مصراع این بیت قافیه باهم سازگار نیست و به نظر می‌رسد نسخه نویس مصراع دوم را از بیت دیگر گرفته و در نتیجه، حداقل یک بیت از قلم افتاده است». این توضیح ناصواب است. کاتب نسخه روی کلمه «آزار» علامت گذاشته و در حاشیه بیت نوشته است: «سیراب». با وارد کردن ضبط «سیراب» به جای «آزار» اشکال قافیۀ بیت برطرف خواهد شد.

ص ۲۵۷، ذیل «فی نشان بد بردمندان»:

سپه گشته برآز و بول بیمار نشان زود مـردن



در پاورقی شماره ۷ آمده است: «ظاهراً این مصراع مربوط به بیت دیگر است زیرا قافیه دو

مصراع تفاوت فاحش دارد». توضیح مصحح صحیح است، اما مصراع دوم را دقیق نخوانده است، زیرا شکل مضبوط آن در نسخه اصل چنین است: «و بیماری نشان زود مردن».

نتیجه‌گیری

دانشنامه حکیم میسری همچون بسیاری از متون دیگر با گذر زمان به دلایل گوناگون از گزند آسیب‌های تصحیفی و تحریفی به دور نمانده است. در این دانشنامه که به همت برات زنجانی در سال ۱۳۶۶ش به چاپ رسیده، خطاهایی مسلم راه یافته که لازم است در ویرایش‌های بعدی برطرف شود. از جمله خطاهایی که به متن تصحیح‌شده راه یافته، اجمالاً اینهاست:

۱. از ویژگی‌های اصلی تصحیح قیاسی این است که مصحح با توجه به متون هم‌عرض و منابع مختلف جانبی، تصحیف‌ها، تحریف‌ها، بدخوانی‌ها و دخالت‌های بی‌وجه کاتب را در متن تشخیص دهد و با ذکر دلیل، آن‌ها را اصلاح کند، اما در دانشنامه هنوز بسیاری از این دست موارد وجود دارد که مصحح متوجه آن‌ها نشده است.
۲. در برخی موارد مصحح دخل و تصرف‌هایی در متن انجام داده که با توجه به نسخه اصل، پایه و اساسی ندارد.
۳. در متن دانشنامه اغلاط مطبعی فراوانی وجود دارد، چنان‌که تشخیص صورت صحیح بسیاری از آن‌ها بدون مقابله با نسخه اصلی ناممکن یا دست‌کم دشوار است.

منابع

- آذر، اسماعیل و محمود عباسی و مرجان محلوجیان (۱۳۸۸). «نگاهی به روان‌شناسی چهره در دانشنامه حکیم میسری». مجله حقوق پزشکی، ش ۱۰: ۱۳-۳۴.
- ابن بیطار (۱۴۱۲ق). الجامع لمفردات الادویة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن سینا (۲۰۰۵). القانون فی الطب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۳۷۰). قانون در طب. ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی (هه‌ژار). تهران: سروش.
- احمد، نذیر (۱۳۷۲). «درباره ممدوح میسری حکیم». مجله ایران‌شناسی، ش ۱۷: ۱۵۹-۱۶۷.
- جرجانی، سید اسماعیل (۱۳۵۰). ذخیره خوارزمشاهی. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی - دانشگاه تهران.

- _____ (۱۳۸۵). الأَعراض الطَّبيَّة و المباحث العِلائیَّة. تصحیح حسن تاج‌بخش. تهران: دانشگاه تهران با همکاری فرهنگستان علوم.
- جمالی یزدی، ابوبکر مطهر (۱۳۸۶). فرّخ‌نامه. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- جوهری نیشابوری، محمد بن ابی البرکات (۱۳۸۳). جواهرنامه نظامی. به کوشش ایرج افشار و همکاری رسول دریاگشت. تهران: میراث مکتوب.
- حکیم میسری (۱۳۹۵). دانشنامه در علم پزشکی. به اهتمام برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ . دانشنامه حکیم میسری. نسخه خطی شماره R-7799-310 کتابخانه ملی پاریس.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
- زاوش، محمد (۱۳۵۵). کانی شناسی در ایران قدیم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۶). «مبانی سبک‌شناسی شعر». ادب پژوهی، ش ۲: ۴۹-۷۶.
- صادقی محسن‌آباد، هاشم و اکبر حیدریان (۱۴۰۱). «تصحیح چند خطا و لغزش در دانشنامه حکیم میسری». کهن‌نامه ادب پارسی، ش ۳۵: ۱۵۷-۱۸۱.
- عقیلی خراسانی شیرازی (۱۳۷۱). مخزن الادویه. اُفت از روی چاپ کلکته ۱۸۴۴. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران (مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی).
- لازار، ژیلبر (۱۳۶۱). اشعار پراکنده قدیمی ترین شعرای فارسی زبان. تهران: انتشارات کتاب آزاد.
- _____ (۱۳۸۷). «دو رساله پزشکی از سده چهارم هجری به زبان فارسی (هدایة المتعلمین و دانشنامه)». مجله نامه بهارستان، ش ۱۳ و ۱۴: ۱۸۹-۱۹۶.
- متینی، جلال (۱۳۵۱). «درباره دانشنامه میسری». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ش ۳: ۵۹۳-۶۲۸.
- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- منصور، عثمان محمد (۲۰۰۲م). عجائب الطب النبائی. بیروت: دار التیاری جدید.
- ناظم‌الاطباء، میرزا علی اکبرخان (۱۳۸۳). پزشکی نامه. اُفت از روی چاپ سنگی تهران.
- هروی، موفق‌الدین ابومنصور علی (۱۳۶۴). الاینه عن حقایق الأدویه (روضه الانس و منفعة النفس). تصحیح احمد بهمنیار. به کوشش حسین محبوبی اردکانی. تهران: دانشگاه تهران.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۴۳). «زبان قدیمی ترین آثار نثر فارسی» [از: ژیلبر لازار]. راهنمای کتاب. ج ۷: ۱۱۹-۱۲۴.

ISSN 1561-9400

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

